

مدیریت درآمد و گزارشگری سالانه گزارش

(مورد مطالعه: شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار طی سال های ۹۵-۱۳۹۱)

عزیز گرد^۱، ابراهیم بالایی خوبستانی^۲

^۱ استادیار دانشگاه پیام نور تهران

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری

چکیده

پس از بحران های اقتصادی اخیر، بسیاری از شرکت ها با عملکردی کارآمدتر در جستجوی راه هایی برای افزایش فروش و کاهش هزینه ها و دستیابی به سودهای بالاتر می باشند. بنابراین، مشخص است که مدیریت درآمد و هزینه کارآمدترین راه برای دستیابی به سود بیشتر و نهایتاً افزایش رشد شرکت است. موضوع اصلی این مقاله، بررسی مدیریت درآمد و گزارشگری سالانه گزارش، تصویر کاملی از چگونگی رشد و درآمد شرکت ها ارائه می دهد. یعنی آن که شرکت ها احتمالاً تلاش می کنند درآمد حاصل از فروش، تعداد کارکنان یا اندازه دارایی ها را افزایش دهند که نهایتاً منجر به افزایش هزینه ها می گردد. در این مورد، رابطه رشد-یادگیری ممکن است توضیح امکان پذیری رشد شرکت را ارائه ندهد. اهمیت این مطالعه در آن است که به گونه ای تجربی به سرمایه گذاران، قانون گذاران بازار سرمایه، تدوین کنندگان استانداردهای حسابداری و سایر استفاده کنندگان اطلاعات حسابداری نشان خواهد داد که چه متغیرهایی بر خوانایی و قابلیت فهم گزارشهای مالی شرکتها تأثیرگذار هستند. با توجه به اهمیت موضوع، مقاله حاضر به بررسی مدیریت درآمد و گزارشگری سالانه گزارش شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخت. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس که طی سالهای ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ در ایران فعالیت داشته اند. که از تعداد ۴۹۵ شرکت حاضر، تعداد ۱۱۵ شرکت به عنوان نمونه انتخاب گردیده است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که مدیریت درآمد با میزان خوانایی گزارشهای مالی شرکتها رابطه معناداری دارد. به عبارت دیگر بین مدیریت درآمد، شاخص فوگ و شاخص طول سند رابطه معناداری وجود دارد.

واژه های کلیدی: مدیریت درآمد، گزارشگری سالانه، شرکت های پذیرفته شده در بورس، بازار سرمایه ایران

مقدمه

افشای اطلاعات معمولاً از سه بخش شامل محتوا، زمان بندی و نحوه ارائه اطلاعات تشکیل شده است که سودمندی هر یک از آن‌ها به خوانایی و قابلیت فهم گزارش‌های مالی بستگی دارد (کورتیس، ۲۰۰۴). در این راستا، کمیسیون بورس اوراق بهادار آمریکا در سال ۱۹۶۷ یک گروه مطالعاتی برای ارائه رهنمودهایی به منظور بهبود خوانایی و قابلیت فهم رویه‌های افشای شرکت تشکیل داد. نتایج این گزارشات که در سال ۱۹۶۹ با عنوان گزارش ویت منتشر شد، توصیه می‌کرد از آنجا که همه سرمایه‌گذاران قادر به فهم سریع گزارشات پیچیده شرکتها نیستند، لذا شرکتها باید از انتشار گزارشهای پیچیده، طولانی و یا زاید، خودداری نمایند (آجینا و همکاران، ۲۰۱۶). به طور کلی، مطالعات صورت گرفته پیرامون رابطه بین پیچیدگی گزارشهای سالانه و شاخصهای مالی شرکت را می‌توان به دو طبقه تقسیم نمود: گروه نخست، معتقدند که خوانایی گزارشهای مالی عاملی مؤثر بر عملکرد مالی آتی شرکت و رفتار قیمت سهام است. بر این اساس، آنتویلر و فرانک (۲۰۰۴) و لی (۲۰۰۸) بیان می‌کنند که بازده و سودهای آتی سهام را می‌توان از طریق کلمات بکارگرفته شده توسط مدیران در توصیف عملیات شرکت پیش بینی نمود. دومین گروه از مطالعات، به جنبه‌های دیگر خوانایی پرداختند. در این راستا، برخی از محققان تأثیر پیچیدگی افشای اطلاعات بر عدم تقارن اطلاعاتی و نقدشوندگی سهام را مورد مطالعه قرار دادند. به طوریکه، میلر (۲۰۱۰) و لورنس (۲۰۱۳) دریافتند که تجزیه و تحلیل گزارشات پیچیده، مستلزم صرف هزینه و زمان زیادی جهت استخراج اطلاعات مفید است، لذا سرمایه‌گذاران در مواجهه با این گزارش‌ها اقدام به سرمایه‌گذاری ننموده و حجم معاملات کاهش می‌یابد. بر مبنای این استدلال، دیفرانکو و همکاران (۲۰۱۳) نیز شواهدی مبنی بر وجود رابطه مثبت بین خوانایی گزارشهای مالی و حجم معاملات سهام ارائه نمودند. علاوه بر این بر پایه رویکرد مدیریت درآمد، شرکتهای دارای مدیریت درآمد گزارشهای مالی پیچیده تر و با خوانایی کمتری منتشر می‌کنند تا بدین طریق، رفتار فرصت طلبانه مدیران را پنهان نموده و امکان شناسایی آن توسط سرمایه‌گذاران، تحلیلگران مالی و سایر نهادهای قانونی را کاهش دهند (لی، ۲۰۰۸؛ آجینا و همکاران، ۲۰۱۶).

بیان مسأله

در سال‌های اخیر، مشکلات ایجاد شده در اقتصاد جهانی منجر به کوچکتر شدن بیش از پیش شرکتها گردیده است. در این شرایط بر شمار موسسات و شرکت‌هایی که ورشکسته می‌شوند، اضافه خواهد شد و همین مسأله زمینه ساز کاهش نرخ رشد اقتصاد جهانی عمیق تر شدن بحران می‌شود. لذا، تئوری رشد شرکت همواره به عنوان عامل مهمی در تکامل ادبیات تجاری (عمدتاً اقتصاد، امور مالی، بازاریابی و حسابداری) در نظر گرفته شده است. تنوع عوامل تأثیرگذار بر رشد شرکت و عدم اتفاق نظر بر آن‌ها مشخصه ادبیات مربوط به این حوزه می‌باشد. این تنوع منجر به مطرح شدن دو تئوری رقابتی شده است. تئوری رشد-اندازه و تئوری رشد-یادگیری که تلاش دارند تا توضیحی نسبت به عوامل رشد شرکت ارائه نمایند. تئوری رشد-اندازه به منحنی درآمد به عنوان سنجش رشد شرکت توجه می‌کند، درحالی‌که تئوری رشد-یادگیری به منحنی هزینه به عنوان جایگزینی برای پیشرفت فرایند یادگیری و رشد شرکت توجه می‌کند. از آنجا که دو تئوری دارای دو جهت مختلف می‌باشند، در مورد آنچه تئوری روش رشد شرکت را توضیح می‌دهد، اتفاق نظر وجود ندارد (الدومیاتی، ۲۰۱۰).

پس از بحران‌های اقتصادی اخیر، بسیاری از شرکتها با عملکردی کارآمدتر در جستجوی راه‌هایی برای افزایش فروش و کاهش هزینه‌ها و دستیابی به سودهای بالاتر می‌باشند. بنابراین، مشخص است که مدیریت درآمد و هزینه کارآمدترین راه برای دستیابی به سود بیشتر و نهایتاً افزایش رشد شرکت است. موضوع اصلی این مقاله، بررسی مدیریت درآمد و گزارشگری سالانه گزارش، تصویر کاملی از چگونگی رشد و درآمد شرکتها ارائه می‌دهد. یعنی آن که شرکتها احتمالاً تلاش می‌کنند درآمد حاصل از فروش، تعداد کارکنان یا اندازه‌داری‌ها را افزایش دهند که نهایتاً منجر به افزایش هزینه‌ها می‌گردد. در این مورد، رابطه رشد-یادگیری ممکن است توضیح امکان‌پذیری رشد شرکت را ارائه ندهد. در صورتی که شرکت تلاش نماید هزینه‌ها را به حداقل رساند، امکان تأثیرگذاری منفی بر درآمد حاصل از فروش، تعداد کارکنان و دارایی‌ها نیز وجود خواهد داشت (الدومیاتی، ۲۰۱۰).

در تحقیق حاضر کوشش خواهد شد تا مدیریت درآمد و گزارشگری سالانه گزارش شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار گیرد.

اهمیت و ضرورت تحقیق

پژوهش گران، تحلیل گران و سرمایه گذاران به دلیل اهمیت مدیریت درآمد به عنوان یکی از مهم ترین معیارهای ارزیابی عملکرد به عنوان عاملی مهم در ارزش بنگاه های اقتصادی، ناگزیر به ارزیابی دقیق آن هستند. اهمیت این مطالعه در آن است که به گونه ای تجربی به سرمایه گذاران، قانون گذاران بازار سرمایه، تدوین کنندگان استانداردهای حسابداری و سایر استفاده کنندگان اطلاعات حسابداری نشان خواهد داد که چه متغیرهایی بر خوانایی و قابلیت فهم گزارشهای مالی شرکتها تأثیرگذار هستند. اهمیت این موضوع، تأثیر خوانایی گزارشهای مالی بر جلب اعتماد سرمایه گذاران و فعالان بازار سرمایه و همچنین فقدان پژوهش های کافی، این انگیزه را در نویسندگان مقاله حاضر به وجود آورد که موضوع فوق را به عنوان یک موضوع پژوهشی برگزینند. نتایج تحقیق ضمن آن که موجب بسط مبانی نظری پژوهش های گذشته در حوزه گزارشگری مالی و مدیریت درآمد می شود، می تواند به توسعه ادبیات حسابداری کشورهای در حال توسعه از جمله ایران کمک شایانی نماید (رستگار، ۱۳۹۰).

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

پژوهش های حسابداری در حوزه مدیریت درآمد، از جمله تحقیقات اثباتی حسابداری است. از زمان ارائه نظریه حسابداری سیاسی و قراردادی توسط واتز و زیمرمن در اواخر دهه ۱۹۷۰، رویکرد مدیریت درآمد فرصت طلبانه همواره موضوع مورد بحث در بسیاری از مطالعات حسابداری بوده است. بر اساس این رویکرد، هرگاه میان واحد تجاری و گروههای مختلف، قراردادی تنظیم شود و مبنای تنظیم این قرارداد ارقام حسابداری باشد، در آن صورت مدیر در تلاش خواهد بود با دستکاری در آن ارقام، به خواسته های شخصی خود، نظیر پاداش بیشتر، دست یابد (اسکات، ۲۰۰۹). علاوه بر این، وجود تضاد منافع بین مدیران و مالکان باعث می شود که صداقت و درستی مدیران در گزارش جنبه های مختلف عملکرد شرکت، مورد تردید باشد (جنسن و مکلینگ، ۲۰۱۳)؛ زیرا مدیران معمولاً تمایل دارند اطلاعات در خصوص عملکرد مثبت شرکت را افشاء نموده، اطلاعات مرتبط با عملکرد ضعیف خود را پنهان نمایند (آجینا و همکاران، ۲۰۱۶). آدلبرگ (۱۹۷۹) نیز بیان می کند که مدیران به طور آگاهانه و یا ناآگاهانه، اقدام به تفسیر مغرضانه گزارشهای سالانه می نمایند تا بدین طریق، عملکرد ضعیف خود را پنهان نموده و در مقابل، موفقیت های خود را بیشتر آشکار سازند. به طور کلی، برای تحریف واقعیت و پنهان نمودن عملکرد ضعیف مدیران دو روش وجود دارد. نخستین روش، تحریف اطلاعات شفاهی و عددی و یا استفاده از عبارات استعاری است. بدین منظور، باید واژگان مثبت و یا عملکرد مالی مثبت شرکت مورد تأکید قرار گیرد و یا اینکه، عملکرد شرکت با شرکتهایی مقایسه شود که وضعیت فعلی را در بهترین شرایط ممکن نشان دهد. شیوه دوم، تحریف نمودن سهولت خوانایی گزارش های مالی از طریق بکارگیری جمالت طولانی و پیچیده در متن گزارش است. چرا که تحقیقات صورت گرفته اذعان دارند که گزارشهای مالی دشوار و پیچیده، برای بسیاری از سهام داران به آسانی قابل درک نیست (مرک- دیویس و برنان، ۲۰۰۷). بنابراین، پیچیدگی گزارشهای مالی منجر به عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سرمایه گذاران شده و در نتیجه، تضاد منافع را به همراه خواهد داشت.

بلومفیلد (۲۰۰۸) بیان می کند زمانی که زیان وجود دارد، ماهیت محافظه کاری حسابداری که اخبار بد را سریع تر از اخبار خوب شناسایی می کند، مدیران را به افشای اطلاعات و توضیحات بیشتری درباره آینده شرکت ملزم می سازد. از اینرو شرکت های زیانده، گزارشات مالی پیچیده و طولانی تری دارند. مطابق با این دیدگاه، راترفورد (۲۰۰۳) نیز نشان داد که در صورت وجود عدم تقارن اطلاعاتی، شرکتهای سودآور جهت آگاه ساختن سرمایه گذاران و تحلیلگران مالی از عملکرد مطلوب خود و مخبره این خبر خوب به بازار، اقدام به انتشار گزارشهای مالی خوانا و قابل فهم تری می نمایند. بزعم بسیاری از مطالعات

اخیر (هوپ و توماس، ۲۰۱۱؛ الکران و مک دونالد، ۲۰۱۱) برخی از مدیران با پیچیده تر نمودن گزارشهای سالانه، اقدام به پنهان ساختن سود شرکت می نمایند. علاوه بر این، بر اساس رویکرد مدیریت درآمد، شرکت‌های دارای مدیریت درآمد بالا، گزارشهای مالی پیچیده تری منتشر می کنند تا بدین طریق، رفتار فرصت طلبانه مدیران را پنهان نموده و امکان شناسایی آن توسط سرمایه گذاران، تحلیلگران مالی و سایر نهادهای قانونی را کاهش دهند.

آجینا و همکاران (۲۰۱۶) با انتخاب نمونه ای از ۱۶۳ شرکت حاضر در بورس سهام فرانسه به بررسی رابطه بین مدیریت درآمد و خوانایی گزارشهای مالی سالانه شرکت ها پرداختند. یافته های تحقیق نشان داد که بین مدیریت درآمد و خوانایی گزارشهای مالی شرکتها رابطه منفی معناداری وجود دارد. چنان هسی و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهش خود به بررسی ارتباط میان خوانایی گزارش تحلیلگران و بازده سهام شرکتها در بازار سرمایه چین پرداختند. با بهره گیری از مدل های رگرسیون چند متغیره نتایج حاکی از آن است که خوانایی گزارش های تحلیل گران سبب کاهش عدم اطمینان پیش بینی سود و افزایش قیمت سهام می شود. فانگ و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهش خود با عنوان "تأثیر خوانایی گزارش های سالانه بر هزینه بدهی" و با انتخاب نمونه ای از شرکت های آمریکایی طی سالهای ۲۰۱۳-۲۰۰۲ دریافتند که شرکت های دارای گزارش های مالی پیچیده تر، هزینه بدهی بیشتری را نیز متحمل می شوند. الورنس (۲۰۱۳) تأثیر کیفیت افشاء مالی را بر نگهداری سهام سرمایه گذاران خرد برای نمونه ای متشکل از ۹۱۲۲۸ شرکت سال مشاهده مورد بررسی قرارداد. در این تحقیق برای سنجش کیفیت افشای مالی از دو شاخص فوگ و شاخص طول متن استفاده گردید. نتایج پژوهش نشان داد که سرمایه گذاران خرد مایل اند که در شرکت‌هایی با گزارش سالانه خواناتر سرمایه گذاری نمایند. دی فرانکو و همکاران (۲۰۱۳) با به کارگیری سه شاخص فوگ، شاخص فلش- کینکید و شاخص سهولت خوانایی فلش برای اندازه گیری خوانایی گزارش های تحلیل گران مالی به بررسی ارتباط بین خوانایی گزارشهای تحلیل گران و حجم معاملات سهام شرکت ها در بازار سرمایه آمریکا پرداختند. نمونه آماری این پژوهش شامل ۳۵۶۴۶۳ شرکت- سال مشاهده طی سالهای ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۹ بوده است. یافته های پژوهش حاکی از آن است که خوانایی گزارشهای تحلیل گران منجر به افزایش حجم معاملات سرمایه گذاران می شود. لهاوی و همکاران (۲۰۱۲) در پژوهش خود تأثیر خوانایی گزارشگری مالی بر صحت پیش بینی سود تحلیل گران را بررسی نمودند. نمونه آماری این تحقیق شامل ۳۳۷۰۴ شرکت- سال مشاهده از شرکت های حاضر در بورس سهام آمریکا طی سالهای ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۶ بوده است. نتایج پژوهش نشان داد که در شرکت های دارای گزارش های مالی با خوانایی کمتر، پراکندگی پیشبینی سود تحلیل گران بیشتر و صحت پیش بینی پایین تر است. لی (۲۰۰۸) در پژوهشی تأثیر خوانایی گزارشگری مالی را بر عملکرد شرکت و پایداری سود بررسی نمود. در این تحقیق از دو شاخص فوگ و طول متن، به عنوان شاخص های اندازه گیری خوانایی استفاده گردید. نتایج تحقیق نشان داد که گزارش های مالی شرکت هایی که دارای سودهای کمتری هستند، پیچیدگی بیشتری دارد. علاوه بر این، شرکت‌های با گزارش های مالی خواناتر، از پایداری سود بیشتری برخوردارند. یو و ژانگ (۲۰۰۹) در پژوهش خود به بررسی تأثیر پیچیدگی گزارشگری مالی بر واکنش کمتر از حد سرمایه گذاران پرداختند. آنها در این تحقیق برای سنجش پیچیدگی گزارشگری مالی از دو شاخص فوگ و شاخص طول متن استفاده نمودند و به این نتیجه رسیدند که پیچیدگی گزارشگری مالی سبب واکنش کمتر از حد سرمایه گذاران در بازار سرمایه می گردد. هاشمی بهرمان و بنی مهد (۱۳۹۴) به بررسی ارتباط میان مدیریت سود و به موقع بودن اطلاعات نمود. در این تحقیق از دو شاخص فوگ و طول متن، به عنوان شاخص های اندازه گیری خوانایی استفاده گردید. نتایج تحقیق نشان داد که گزارش های مالی شرکت هایی که دارای سودهای کمتری هستند، پیچیدگی بیشتری دارد. علاوه بر این، شرکت‌های با گزارش های مالی خواناتر، از پایداری سود بیشتری برخوردارند. یو و ژانگ (۲۰۰۹) در پژوهش خود به بررسی تأثیر پیچیدگی گزارشگری مالی بر واکنش کمتر از حد سرمایه گذاران پرداختند. آنها در این تحقیق برای سنجش پیچیدگی گزارشگری مالی از دو شاخص فوگ و شاخص طول متن استفاده نمودند و به این نتیجه رسیدند که پیچیدگی گزارشگری مالی سبب واکنش کمتر از حد سرمایه گذاران در بازار سرمایه می گردد. هاشمی بهرمان و بنی مهد (۱۳۹۴) به بررسی ارتباط میان مدیریت درآمد و به موقع بودن اطلاعات حسابداری در ۹۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سالهای ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۱ پرداختند. نتایج تحقیق نشان داد که مدیریت درآمد رابطه مستقیم با

تأخیر در ارائه اطلاعات دارد. یعنی هر چه مدیریت سود افزایش یابد مدت زمان ارائه اطلاعات افزایش می یابد. سجادی و همکاران (۱۳۹۱) رابطه بین مدیریت درآمد و مربوط بودن سود هر سهم و ارزش دفتری آن در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در فاصله زمانی سالهای ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۸ را مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که مدیریت سود، مربوط بودن سود هر سهم و ارزش دفتری آن را کاهش می دهد.

اهداف تحقیق

در این مطالعه، هدف زیر دنبال می شود:

- تبیین رابطه بین مدیریت درآمد و گزارشگری سالانه گزارش.

سوالات و فرضیات تحقیق

سوال تحقیق:

- آیا بین مدیریت درآمد و گزارشگری سالانه گزارش در بین شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار رابطه معناداری وجود دارد؟

فرضیات تحقیق

بر پایه مبانی نظری و پژوهش تجربی صورت گرفته توسط آجینا و همکاران (۲۰۱۶) و بکارگیری دو شاخص فوگ و طول سند برای سنجش خوانایی گزارشگری مالی، فرضیه های زیر تدوین و مورد آزمون قرار می گیرد:

فرضیه اول: بین مدیریت درآمد و شاخص فوگ رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم: بین مدیریت درآمد و شاخص طول سند رابطه معناداری وجود دارد.

قلمرو تحقیق

قلمرو تحقیق شامل چارچوب موضوعی، زمانی و مکانی تحقیق است که در این قسمت به آن پرداخته می شود.

قلمرو موضوعی

قلمرو موضوعی تحقیق حاضر بازار سرمایه (شرکت های پذیرفته شده حاضر در بورس اوراق بهادار) ایران می باشد.

قلمرو مکانی

- شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران.

قلمرو زمانی

- قلمرو زمانی تحقیق حاضر، داده های مورد بررسی طی سال های ۹۵-۱۳۹۱ صورت می گیرد.

روش شناسی تحقیق

روش تحقیق مجموعه ای از قواعد، ابزارها و راههای معتبر و نظام یافته برای بررسی واقعیتها، کشف مجهولات و دستیابی به راه حل مشکلات است. اتخاذ روش تحقیق علمی تنها راه دستیابی به دستاوردهای قابل قبول و علمی است (سکاران، ۱۳۹۰). منظور از روش تحقیق، روش انجام (اجرای) تحقیق است که مشخص می کند ما برای بررسی موضوع از چه روشی استفاده می کنیم. انتخاب روش تحقیق به هدفهای تحقیق، ماهیت موضوع پژوهش و امکانات اجرای آن بستگی دارد. بطور کلی روشهای مختلف تحقیقی وجود دارد نظیر روش تحقیق علی، همبستگی، پس رویدادی، توصیفی، تاریخی و موردی. مورد استفاده هر کدام از این روشها متفاوت می باشد. به طور کلی روش های تحقیق را می توان با توجه به دو ملاک الف) هدف تحقیق ب) نحوه گردآوری داده ها تقسیم کرد (بازرگان و دیگران، ۱۳۸۵).

تحقیق حاضر بر اساس هدف یک تحقیق کاربردی است. همچنین تحقیق حاضر بر اساس مبنای ماهیت یک تحقیق همبستگی است که سعی در بیان میزان اثرگذاری متغیرها و شدت رابطه میان آنها دارد. همچنین تحقیق حاضر بر اساس روش جمع آوری اطلاعات یک تحقیق کتابخانه ای می باشد زیرا به منظور جمع آوری اطلاعات مورد نیاز در تحقیق حاضر از اسناد و مدارک کتابخانه ای نظیر صورت‌های مالی اساسی اعضای نمونه استفاده شد. در پژوهش حاضر به منظور بررسی مدیریت درآمد و گزارشگری سالانه گزارش شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران با توجه به محدودیت‌های موجود از نظر اطلاعات، منابع رسمی و منتشره علاوه بر بهره گیری از روش کتابخانه ای، برای به روزآوری اطلاعات از روش تحقیق میدانی پس از جمع آوری داده ها با استفاده از روش متداول اقتصادسنجی (از طریق تحلیل رگرسیون پانل) با استفاده از نرم افزار Eviews^۸ و لیزرل Lisrel به بررسی میزان اثرگذاری متغیرها پرداخته می شود. در این پژوهش روش جمع‌آوری داده ها و اطلاعات مربوط به ادبیات تحقیق و فرضیه، روش کتابخانه‌ای و مراجعه به آرشیوها می باشد. بدین صورت که با استفاده از مطالعه کتب، مقالات، پایان نامه‌ها، نشریات تخصصی فارسی و لاتین، اینترنت و همچنین مطالعه صورت‌های مالی حسابرسی شده شرکت‌های نمونه، یادداشت‌های توضیحی، گزارشات هیات مدیره به مجمع، سایت اینترنتی سازمان بورس اوراق بهادار تهران (این مورد توسط سازمان بورس اوراق بهادار تهران منتشر گردیده است) و نیز استفاده از نرم‌افزارهای تدبیرپرداز و ره‌آورد نوین انجام گرفته است. بنابراین، ابزار گردآوری اطلاعات، اسنادکاوی و بانک‌های اطلاعاتی می باشد. داده های مورد نیاز از طریق مطالعه صورت‌های مالی، یادداشت‌های همراه و گزارش‌های مالی بانک ها مورد مطالعه، نرم‌افزارهای اطلاعاتی، آرشیوهای الکترونیکی و اینترنتی جمع‌آوری و در صفحه گسترده اکسل^۱ سازماندهی و محاسبه شده است. همچنین در این تحقیق با استفاده از روش متداول اقتصادسنجی و حداقل مربعات معمولی (OLS) به بررسی روابط بین متغیرها، پرداخته خواهد شد و پس از انجام آزمونهای مختلف، در خصوص قابلیت اطمینان الگوهای پیشنهادی، نتایج و پیشنهادات لازم ارائه می گردد. لازم به ذکر می باشد که برای برآورد الگوها و تجزیه و تحلیل نتایج اقتصادسنجی از نرم افزار Eviews^۸ و لیزرل Lisrel استفاده شده است.

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری مورد مطالعه در پژوهش حاضر شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشد. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس که طی سالهای ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ در ایران فعالیت داشته اند. در این تحقیق، اطلاعات مورد نیاز از طریق بررسی مدارک و اسناد مربوطه، با توجه به دوره زمانی تحقیق (یعنی فاصله زمانی سالهای ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵)، از طریق مراجعه به اطلاعات سری های زمانی اقتصادی مندرج در سایت بانک مرکزی و بانک جهانی و سری های زمانی بانکی منتشر شده توسط پژوهشکده پولی و بانکی گردآوری شده است.

برای انتخاب نمونه آماری تحقیق از روش نمونه گیری حذفی (غربالگری) استفاده شده است و شرکت های مورد مطالعه در جهت آزمون فرضیه های تحقیق، بدین صورت انتخاب گردیده اند که تمام شرایط زیر را دارا باشند:

- شرکت هایی که تا سال ۱۳۹۵ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند.
- شرکت هایی که پایان سال مالی آنها ۲۹ اسفند ماه باشد.
- شرکت هایی که در طول دوره تحقیق تغییر سال مالی نداشته باشند.
- شرکت هایی که داده های مورد نظر آنها در دسترس باشد.
- شرکت هایی که جزو بانک ها و موسسات مالی (شرکت های سرمایه گذاری، واسطه گری مالی، شرکت های هلدینگ، بانک ها و لیزینگ) نباشند.

با توجه به شرایط فوق، ۱۱۵ شرکت به عنوان نمونه انتخاب گردیده است و در ادامه مورد تحلیل قرار می گیرد.

^۱ - Excel

جدول (۱) انتخاب تعداد نمونه از جامعه

۴۹۵	شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تا پایان سال ۱۳۹۵.
۹۲	تعداد شرکتهایی که در قلمرو زمانی ۱۳۹۱-۱۳۹۵ برون رفت داشته اند.
۳۸	تعداد شرکتهایی که در قلمرو زمانی ۱۳۹۱-۱۳۹۵ وارد بورس شده اند.
۱۳۴	تعداد شرکتهایی که سال مالی آنها به ۱۲/۲۹ ختم نمی گردد و یا اقدام به تغییر سال مالی خود نموده اند (به منظور همگن بودن).
۶۵	تعداد شرکتهایی که در قلمرو زمانی ۱۳۹۱-۱۳۹۵ حقوق صاحبان سهام منفی داشته اند.
۵۱	تعداد شرکتهایی که در قلمرو زمانی ۱۳۹۱-۱۳۹۵ به امور سرمایه گذاری، هلدینگ، بانک ها و بیمه و صندوق های سرمایه گذاری اشتغال داشته اند.
۴۱۸	جمع کسور
۱۱۵	تعداد شرکت های مورد مطالعه

الگوی مدل مورد تحقیق:

متغیرها و مدل‌های مورد استفاده

متغیرهای مورد مطالعه در این تحقیق شامل متغیرهای وابسته، مستقل و کنترلی به شرح زیر اندازه گیری شده اند:

متغیر وابسته:

متغیر وابسته پژوهش حاضر، گزارشگری سالانه مالی است که برای اندازه گیری آن مطابق با پژوهش یو و ژانگ (۲۰۰۹)، الورنس (۲۰۱۳)، آجینا و همکاران (۲۰۱۶) و فخاری نیا و دیانی (۱۳۸۱) از دو شاخص زیر که روایی و اعتبار آن برای سنجش خوانایی متون فارسی توسط برخی محققان داخلی نظیر فضل الهی (۱۳۸۹) و دیانی (۱۳۷۹) مورد تأیید قرار گرفت، استفاده شده است.

شاخص اول خوانایی گزارشگری مالی، شاخص فوگ (FOGIND) است که تابعی از دو متغیر طول جمله (بر حسب کلمات) و کلمات پیچیده (تعریف شده به صورت تعداد کلمات با سه یا چند بخش) است که به صورت زیر محاسبه می شود:

(میانگین تعداد کلمات در هر جمله + درصد کلمات پیچیده) $\times 4/0$ = شاخص فوگ

فرایند و نحوه تعیین سطح خوانایی گزارشهای مالی در شاخص فوق به ترتیب زیر است:

۱- انتخاب یک نمونه یکصد کلمه ای از ابتدا، یک نمونه یکصد کلمه از وسط، و یک نمونه یکصد کلمه ای از اواخر گزارش به صورت تصادفی.

- ۲- شمارش تعداد جملات هر یک از نمونه ها.
- ۳- مشخص کردن متوسط طول جملات از طریق تقسیم تعداد کلمات به تعداد جملات کامل هر نمونه یکصد کلمه ای؛
- ۴- شمارش تعداد کلمات سه هجایی و بیش از سه هجایی ۲؛ موجود (کلمات پیچیده) در هر کدام از متون یکصد کلمه ای؛
- ۵- جمع کردن تعداد کلمات پیچیده با تعداد متوسط کلمات در جملات؛
- ۶- ضرب کردن حاصل جمع تعداد کلمات دشوار و متوسط کلمات در جملات با عدد ثابت ۴/۰؛
- ۷- انجام محاسبات بندهای ۴، ۵، ۶، برای دو نمونه یکصد کلمه ای دیگر؛
- ۸- محاسبه میانگین نتایج هر سه نمونه از طریق جمع کردن و تقسیم به تعداد (فضل الهی، ۱۳۸۹).
- رابطه بین شاخص فوگ و سطح خوانایی بدین شرح است که: $FOG \leq 18$ یعنی متن قابل خواندن نبوده و بسیار پیچیده است؛ ۱۸-۱۴ (متن سخت)؛ ۱۲-۱۴ (متن مناسب)؛ ۱۰-۱۲ (متن قابل قبول) و ۸-۱۰ (متن آسان) است.
- دومین شاخص خوانایی گزارشگری مالی، شاخص طول متن (IND LENGTH) بوده که به صورت زیر محاسبه می شود:
- (تعداد کلمات متن) $L_n =$ شاخص طول متن
- از آنجاکه مقادیر بیشتر شاخص های فوق، بیانگر میزان خوانایی کمتر گزارشهای مالی است لذا هر یک از شاخص های محاسبه شده مذکور در عدد منفی یک (-۱) ضرب می شود، تا معیار مستقیمی از شاخص خوانایی گزارشگری مالی به دست آید.

متغیر مستقل

متغیر مستقل این پژوهش، مدیریت درآمد است. از آنجاکه بر اساس بسیاری از پژوهشهای داخلی صورت گرفته (آقایی و چالکی، ۱۳۸۸؛ بهار مقدم و کوهی، ۱۳۸۹؛ بنی مهد و همکاران، ۱۳۹۴) مدل کازنیک از قدرت تبیین بیشتری برای تعیین اقلام تعهدی اختیاری و مدیریت درآمد برخوردار است، لذا در این پژوهش از مدل کازنیک (۱۹۹۹) برای اندازه گیری اقلام تعهدی اختیاری استفاده شده است که مدل مزبور به شرح زیر است:

$$\frac{TA_{i,t}}{A_{i,t-1}} = \alpha_1 \left(\frac{1}{A_{i,t-1}} \right) + \alpha_2 \left(\frac{\Delta REV_{i,t}}{A_{i,t-1}} - \frac{\Delta REC_{i,t}}{A_{i,t-1}} \right) + \alpha_3 \left(\frac{PPE_{i,t}}{A_{i,t-1}} \right) + \alpha_4 \left(\frac{\Delta CFO_{i,t}}{A_{i,t-1}} \right) + \varepsilon_{i,t}$$

که در آن:

$TA_{i,t}$: کل اقلام تعهدی شرکت i در سال t است که از رابطه زیر محاسبه می گردد:

$$\Delta CA_{i,t} - \Delta CL_{i,t} - \Delta CASH_{i,t} + \Delta STDi,t - DEPi,t = TA_{i,t}$$

$\Delta CA_{i,t}$: تغییرات داراییهای جاری شرکت i در هر سال نسبت به سال قبل،

$\Delta CL_{i,t}$: تغییرات بدهیهای جاری شرکت i در هر سال نسبت به سال قبل،

$\Delta CASH_{i,t}$: تغییرات وجه نقد شرکت i در هر سال نسبت به سال قبل،

$\Delta STDi,t$: تغییرات حصة جاری بدهیهای بلندمدت شرکت i در هر سال نسبت به سال قبل،

$DEPi,t$: هزینه استهلاک داراییهای ثابت و نامشهود شرکت i در سال t ،

$A_{i,t-1}$: جمع داراییهای شرکت i در ابتدای سال،

^۲ . کلمه ای که از سه هجا تشکیل شده باشد (مانند کلمه نوشتار) سه هجایی خوانده می شود (شبهه کلمه سه بخشی) کلمه ای را که بیش از سه هجا

داشته باشد چندهجایی می خوانند (مانند نمایشگاه)

$\Delta REVi,t$: تغییرات درآمد فروش شرکت i در هر سال نسبت به سال قبل،
 $\Delta RECi,t$: تغییرات حسابهای دریافتی شرکت i در هر سال نسبت به سال قبل،
 $PPEi,t$: اموال، ماشین آلات و تجهیزات شرکت i در سال t ،
 $\Delta CFOi,t$: تغییرات جریانهای نقدی عملیاتی شرکت i در هر سال نسبت به سال قبل و
 $\varepsilon_{i,t}$: خطای مدل برای شرکت i در سال t است.

پس از برآورد مدل فوق برای هر شرکت-سال، مقادیر خطای مدل ($\varepsilon_{i,t}$)، نیز به دست می آید که نشاندهنده اقلام تعهدی اختیاری و شاخص مدیریت سود است.

متغیر کنترلی

در این پژوهش برخی از مهمترین متغیرهایی که بر مبنای مطالعات قبلی به عنوان عوامل مؤثر بر خوانایی گزارشهای مالی شرکت شناخته شده اند، به عنوان متغیرهای کنترلی مدنظر قرار گرفتند که عبارت اند از: اندازه شرکت: شرکت های بزرگ معمولاً عملیات گسترده و پیچیده تری داشته و انتظار می رود که گزارشهای مالی پیچیده و طولانی تری در مقایسه با سایر شرکت ها ارائه نمایند (آجینا و همکاران، ۲۰۱۶). از این رو در این تحقیق، اندازه شرکت که از طریق از لگاریتم طبیعی خالص فروش سالیانه شرکت اندازه گیری می شود، به عنوان متغیر کنترلی در نظر گرفته شده است. اهرم مالی: اهرم مالی از تقسیم مجموع بدهیها بر ارزش دفتری داراییهای شرکت، محاسبه می شود. این نسبت در مطالعه زیقار و همکاران (۲۰۱۱) و آجینا و همکاران (۲۰۱۶) نیز به عنوان متغیر کنترلی بکار گرفته شده است. تمرکز مالکیت: تئوری نمایندگی بیان می دارد که پراکندگی مالکیت موجب بروز هزینه های نمایندگی و تضاد منافع بین مدیران و مالکان می شود (جنسن و مکلینگ، ۱۹۷۶) از اینرو، شرکت های با میزان تمرکز مالکیت پایین تر، اقدام به انتشار گزارش های مالی خواناتری می کنند تا بدین طریق مسائل نمایندگی خود را کاهش دهند (کومار، ۲۰۱۳) در این تحقیق، به پیروی از حساس یگانه و شهریاری (۱۳۸۹) برای سنجش تمرکز مالکیت از مجموع درصد سهام اشخاص حقیقی یا حقوقی که بیش از ۱۰ درصد سهام شرکت را در اختیاردارند، استفاده شده است.

سودآوری: فرضیه افشای ناقص مطرح شده توسط بلومفیلد (۲۰۰۸) و شواهد تجربی لین (۲۰۰۸) بیان می کند که مدیران می توانند با انتشار گزارشهای مالی طولانی و پیچیده تر، هزینه های پردازش اخبار بد را افزایش داده و بدین ترتیب، از میزان واکنش منفی بازار به این اخبار بکاهند. همچنین، بلومفیلد (۲۰۰۸) دریافت زمانی که عملکرد شرکت ضعیف است مدیران برای پنهان نمودن این موضوع از دید نهادهای قانونی و تحلیلگران، اقدام به ارائه گزارشهای مالی دشوار و پیچیده می نمایند. بر این اساس در این پژوهش، بازده حقوق صاحبان سهام که از تقسیم سود خالص بر ارزش بازار حقوق صاحبان سهام به دست می آید به عنوان سنجش سودآوری و یکی دیگر از متغیرهای کنترلی وارد مدل شده است.

به منظور آزمون فرضیه تحقیق، از مدل رگرسیونی چندمتغیره زیر که برگرفته از پژوهش آجینا و همکاران (۲۰۱۶) است، استفاده شده است:

مدل (۱)

$$READ_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 DA_{i,t} + \beta_2 SIZE_{i,t} + \beta_3 LEV_{i,t} + \beta_4 CON_{i,t} + \beta_5 ROE_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

که در مدل فوق:

$READ_{i,t}$ ، یکی از دو شاخص خوانایی گزارشگری مالی شرکت i در سال t ؛ $DA_{i,t}$ ، اقلام تعهدی $SIZE_{i,t}$ ، اندازه شرکت، معادل لگاریتم طبیعی فروش سالیانه شرکت i اختیاری شرکت i در سال t ؛ $LEV_{i,t}$ ، اهرم مالی که برابر است با نسبت بدهی به مجموع داراییهای شرکت i در سال t ؛ $ROE_{i,t}$ ، نسبت سود خالص به ارزش بازار حقوق $CON_{i,t}$ ، تمرکز مالکیت شرکت i در سال t ؛ صاحبان سهام شرکت i در سال t و $\epsilon_{i,t}$ ، جزء خطای مدل رگرسیون است. از آنجاکه در این تحقیق برای سنجش خوانایی گزارشگری مالی از دو شاخص فوگ (FOGIN) و شاخص طول متن (INDLENGTH) استفاده شده است، لذا مدل فوق، برای هر یک از معیارهای خوانایی گزارشگری مالی به صورت جداگانه برآورد می گردد. به منظور برآورد مدلهای تحقیق از تکنیک داده های تلفیقی استفاده شده است. داده های تلفیقی که از ترکیب دو دسته داده های سری زمانی و مقطعی حاصل می شود، امروزه به طور گسترده ای توسط محققین مورد استفاده قرار می گیرد. در بسیاری از موارد، محققین از این روش برای مواردی که نمی توان مسائل را به صورت سری زمانی یا مقطعی بررسی نمود و یا زمانی که تعداد داده ها کم است، استفاده می کنند. ادغام داده های سری زمانی و مقطعی و ضرورت استفاده از آن بیشتر به دلیل افزایش تعداد مشاهدات، بالا بردن درجه آزادی، کاهش ناهمسانی واریانس و کاهش هم خطی میان متغیرها است (گجراتی، ۲۰۰۹).

آمار توصیفی

جدول (۲) آمار توصیفی متغیرهای مورد آزمون که شامل برخی شاخصهای مرکزی و پراکندگی است را برای نمونه ای متشکل از ۱۱۵ شرکت - سال مشاهده در فاصله زمانی سالهای ۱۳۹۵-۱۳۹۱ نشان می دهد.

جدول (۲) آمار توصیفی مربوط به متغیرهای تحقیق

متغیر	تعداد مشاهدات	میانگین	میان	حداقل	حداکثر	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
FOG IND	۱۱۵	-۱۲/۹۲۰	-۱۵/۷۲۲	-۲۱/۰۱۶	-۱۴/۸۱۲	۳/۲۲۱	۰/۵۶۲	۵/۰۹۱
LENGTH IND	۱۱۵	-۷/۳۲۱	-۷/۴۱۷	-۷/۵۹۰	-۶/۱۳۹	۱/۴۶۹	۰/۷۱۱	۶/۱۲۸
DA	۱۱۵	۰/۳۱۸	۰/۴۱۵	۰/۰۰۳	۰/۸۴۵	۰/۱۰۵	۰/۱۱۸	۵/۱۸۲
SIZE	۱۱۵	۱۰/۷۵۲	۱۰/۷۲۲	۹/۹۷۹	۱۲/۶۰۶	۰/۷۵۷	۰/۸۸۳۵	۳/۹۸۳
LEV	۱۱۵	۰/۴۵۲	۰/۴۶۲	۰/۱۹۱	۰/۷۳۸	۰/۳۰۴	۰/۸۲۳	۴/۰۰۵
CON	۱۱۵	۰/۹۲۶	۰/۶۱۶	۰/۰۷۸	۰/۴۸۱	۰/۹۱۴	۰/۸۰۵	۳/۸۱۴
ROE	۱۱۵	۰/۱۹۱	۰/۷۱۷	۰/۰۱۵	۰/۷۴۶	۰/۶۱۳	۰/۸۳۵	۴/۳۳۷

همانگونه که در این نگاره ملاحظه می شود، میانگین شاخص خوانایی گزارشهای مالی فوگ برابر ۱۲/۹۲ و میانگین شاخص خوانایی گزارشهای مالی طول متن، برابر ۷/۳۲ است. شاخص مدیریت درآمد که بر اساس مدل کازنیک (۱۹۹۹) اندازه گیری شده است، دارای مقدار میانگین ۳۱۸/۰ و میان ۱۶۴/۰ است. همچنین، ملاحظه مقدار میانگین متغیر اهرم مالی حکایت از آن دارد که

به طور متوسط حدود ۴۵ درصد از داراییهای های شرکتهای مورد بررسی از طریق استقراض، تأمین مالی شده اند. سود خالص شرکتهای نمونه نیز به طور متوسط، معادل ۱۹ درصد ارزش بازار حقوق صاحبان سهام آنهاست.

نتایج آزمون فرضیه ها

با توجه به روش مدل سازی داده های تلفیقی، ابتدا باید مشخص نمود که کدام یک از فروض یکسان بودن عرض از مبدأها یا متفاوت بودن آنها برای مقاطع، می بایست اعمال گردد. بدین منظور از آزمون F لیمر استفاده می شود. در این آزمون، فرضیه H_0 نشان دهنده یکسان بودن عرض از مبدأها بوده و در مقابل فرضیه H_1 دلالت بر ناهمسانی عرض از مبدأها دارد. چنان چه آماره F محاسباتی بیشتر از F جدول باشد، فرضیه صفر (H_0) رد شده و متفاوت بودن عرض از مبدأها برای مقاطع مختلف پذیرفته می شود. نتایج مربوط به آزمون F در جدول (۳) نشان داده شده است:

جدول (۳) نتایج آزمون F لیمر برای مدل های تحقیق

مدل	شاخص خوانایی	مقدار آماره F	سطح معناداری	نتیجه
مدل (۱)	شاخص فوگ	۳/۶۲۳	۰/۰۰۰	رد H_0
مدل (۲)	شاخص طول متن	۴/۵۲۰	۰/۰۰۰	رد H_0

نتایج این جدول نشان می دهد فرضیه صفر مبنی بر برابری عرض از مبدأها در مقاطع مختلف برای تمامی مدلها رد می شود. پس از مشخص شدن این که عرض از مبدأ برای مقاطع مختلف یکسان نیست، باید روش مورد استفاده در برآورد مدل (اثرات ثابت یا تصادفی) تعیین گردد که بدین منظور از آزمون هاسمن استفاده می شود. در این آزمون فرضیه H_0 مبنی بر سازگاری تخمین های اثر تصادفی در مقابل فرضیه H_1 مبنی بر ناسازگاری تخمینهای اثر تصادفی قرار می گیرد. بنابراین در صورتی که H_0 پذیرفته شود، روش اثرات تصادفی بر روش اثرات ثابت مرجح خواهد بود و در غیر این صورت، روش اثرات ثابت بر روش اثرات تصادفی برتری خواهد داشت. نتایج مربوط به آزمون هاسمن در جدول (۴) نشان داده شده است:

جدول (۴) نتایج آزمون هاسمن برای انتخاب بین اثرات ثابت و اثرات تصادفی

مدل	شاخص خوانایی	مقدار آماره F	سطح معناداری	نتیجه
مدل (۱)	شاخص فوگ	۱۲/۲۳۲	۰/۰۱۲	رد H_0
مدل (۲)	شاخص طول متن	۱۳/۷۵۵	۰/۰۰۶	رد H_0

نتایج جدول فوق بیانگر آن است که فرضیه صفر رد شده، لذا مدل ها باید به روش اثرات ثابت برآورد گردد. به منظور تشخیص نرمال بودن توزیع اجزای اخلال مدل نیز از آزمون جارک-برا استفاده گردید. از آنجاکه نتیجه احتمال آماره جارک-برا، برای مدل های تحقیق بیشتر از ۰/۵ است، لذا فرض صفر مبنی بر نرمال بودن اجزای اخلال را نمی توان رد کرد؛ پس توزیع اجزای اخلال نرمال است. ضمن آن که، براساس قضیه حد مرکزی، در داده هایی که تعداد مشاهده ها زیاد است، ضرایب نرمال محسوب می شوند، هر چند توزیع اجزا نرمال نباشد (گجراتی، ۲۰۰۹). در این تحقیق همچنین برای آزمون همبستگی بین پسماندها از آماره

دوربین- واتسن و برای رفع ناهمسانی واریانس، از روش حداقل مربعات تعمیم یافته استفاده شده است. علاوه بر این، به منظور اطمینان از عدم وجود مشکل هم خطی چندگانه بین متغیرها، آزمون هم خطی با استفاده از عامل تورم واریانس (VIF) مورد بررسی قرار گرفت که با توجه آن که مقادیر این آماره برای متغیرهای توضیحی کمتر از ۱۰ است، می توان دریافت که مشکل هم خطی چندگانه تهدیدی جدی برای مدل محسوب نمی شود.

جدول (۵) نتایج برآورد مدل پژوهش بر اساس دو شاخص خوانایی گزارشگری مالی

(LENGTH IND)		(FOG IND)		
آماره t	آماره t	آماره t	ضریب	متغیر
۴/۳۱۲	۰/۵۶۱	۴/۵۱۲	۰/۵۶۳	C
-۲/۴۲۵	-۰/۵۹۶	-۲/۱۵۶	-۰/۵۲۶	DA
-۰/۲۴۵	-۰/۰۱۹	-۲/۳۴۸	-۰/۰۷۹	SIZE
-۱/۱۵۰	-۰/۰۸۸	-۱/۳۹۵	-۰/۰۹۸	LEV
-۱/۱۱۶	-۰/۱۲۱	-۱/۳۱۲	-۰/۱۰۱	CON
۲/۴۲۴	۰/۰۲۲	۲/۳۳۵	۰/۰۲۶	ROE
۱۱/۲۱۰		۱۱/۱۰۸		آماره F
۰/۵۷۵		۰/۵۸۲		ضریب تعیین تعدیل شده
۱/۸۴۷		۱/۸۳۹		آزمون دوربین واتسون

ملاحظه مقادیر F در این جدول بیانگر معناداری کلی مدل های رگرسیونی بر ارزش شده در سطح اطمینان ۰/۹۹ است. مقادیر آماره دوربین- واتسون نیز حکایت از عدم وجود مشکل خود همبستگی در میان جملات پسماند دارد. همانگونه که در این جدول مشهود است، ضریب برآوردی و آماره t مربوط به متغیر مدیریت درآمد (DA) در هر دو مدل منفی (۰/۵۲۶- و شاخص فوگ، ۰/۵۹۶- شاخص طول سند) و در سطح خطای ۱ درصد معنادار است. بدین ترتیب، فرضیه های پژوهش در سطح خطای ۱ درصد تأیید می گردد. یعنی می توان ادعا نمود که بطور کلی مدیریت درآمد، با میزان خوانایی گزارشهای مالی شرکتها رابطه معناداری دارد.

علاوه بر این، با توجه به ضریب برآوردی و آماره t، متغیرهای کنترل اندازه شرکت رابطه منفی و متغیر سودآوری رابطه مثبت و معنادار با متغیر وابسته (گزارشگری مالی) دارند.

نتیجه گیری

از زمان ارائه نظریه حسابداری سیاسی و قراردادی توسط واتن و زیمرمن در اواخر دهه ۱۹۷۰، مدیریت درآمد فرصت طلبانه همواره به عنوان یکی از موضوع های بحث برانگیز در حوزه حسابداری بوده است. براساس این رویکرد، شرکتهای دارای مدیریت درآمد گزارشهای مالی دشوار و با خوانایی کمتر منتشر می کنند با توجه به اینکه خوانایی شاخصی مهم در اندازه گیری کیفیت اطلاعات محسوب می شود، باعث جذب و ترغیب سرمایه گذاران به مشارکت در بازار سرمایه می شود. از این رو، پژوهش حاضر اثر مدیریت درآمد بر گزارشگری سالانه مالی شرکتها را مورد آزمون قرارداده است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که مدیریت درآمد

با میزان خوانایی گزارشهای مالی شرکتها رابطه معناداری دارد. به عبارت دیگر بین مدیریت درآمد، شاخص فوگ و شاخص طول سند رابطه معناداری وجود دارد.

نتیجه بدست آمده در این پژوهش، با یافته های تحقیق آجینا و همکاران (۲۰۱۶) مطابقت دارد. براساس یافته های پژوهش حاضر، به سازمان بورس و اوراق بهادار تهران پیشنهاد می شود که با ایجاد و تقویت راه کارهایی جهت افزایش خوانایی گزارشگری مالی شرکتها گام برداشته و نظارت بیشتری بر گزارشهای مالی شرکتها داشته باشند. به سرمایه گذاران و تحلیلگران مالی نیز پیشنهاد می شود تا در تجزیه و تحلیل اطلاعات، رابطه میان مدیریت درآمد و خوانایی گزارشگری مالی را در مدلها تصمیم گیری خود مد نظر قرار دهند و توجه داشته باشند. همچنین، نظر به اینکه اقلام تعهدی جزء آن دسته از اطلاعات مالی هستند که امکان مدیریت و دستکاری بیشتری دارند و با توجه به تأثیر این اقلام در افزایش پیچیدگی و دشواری گزارشهای مالی به تدوین کنندگان استانداردهای حسابداری پیشنهاد می شود تا با مدنظر قراردادن کیفیت و الزامات افشای این اقلام در استانداردهای حسابداری، موجبات بهبود شفافیت و خوانایی گزارشگری مالی شرکتها را فراهم آورند.

منابع و مأخذ

- آقایی، محمد علی و چالکی، پری (۱۳۸۸) "بررسی رابطه بین ویژگیهای حاکمیت شرکتی و مدیریت سود در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"؛ فصلنامه تحقیقات حسابداری و حسابرسی، دوره ۴.
- بازرگان و همکاران، ۱۳۸۵، تحلیل های آماری با استفاده از SPSS، تهران: انتشارات کتاب نو، چاپ دوم.
- بنی مهد، بهمن؛ حساس یگانه، یحیی و یزدانیان، نرگس (۱۳۹۴) "مدیریت سود و اظهار نظر حسابرس: شواهدی از بخش خصوصی حسابرسی"، مجله حسابداری مدیریت، سال هفتم، شماره ۲۱، ۱۷-۳۲ صص.
- بهار مقدم، مهدی؛ کوهی، علی (۱۳۸۹) "بررسی نوع مدیریت سود در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، فصلنامه دانش حسابداری، شماره ۲، صص ۷۵-۹۴.
- حساس یگانه، یحیی، شهریاری، علیرضا (۱۳۸۹) "بررسی رابطه بین تمرکز مالکیت و محافظه کاری در بورس اوراق بهادار تهران"، دو فصلنامه پژوهشهای حسابداری مالی، دوره ۲، شماره ۴ (۲).
- سجادی، سیدحسین؛ فرازمنند، حسن و عربی مهدی (۱۳۹۱) "رابطه بین مدیریت سود و مربوط بودن اطلاعات حسابداری"، پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی، دوره ۴، شماره ۱۴، صص ۲۳-۴۴.
- فضل الهی، محمد (۱۳۸۹). تجزیه و تحلیل صورتهای مالی، انتشارات مرکز تحقیقات حسابداری و حسابرسی سازمان حسابرسی، چاپ چهارم.
- سکاران اوما، (۱۳۹۰)، روش های تحقیق در مدیریت (ترجمه محمد صائبی و محمود شیرازی)، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- رستگار، محمد، (۱۳۹۰)، بررسی رابطه بین کیفیت دارایی، اندازه اقلام تعهدی و بازده سهام با کیفیت سود، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- هاشمی بهرمان، مریم و بنی مهد، بهمن (۱۳۹۴) "مدیریت سود و به موقع بودن اطلاعات حسابداری"، فصلنامه دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، دوره ۴، شماره ۱۳، صفحه ۱-۸.

Reference

- Adelberg A. (۱۹۹۹). Narrative disclosures contained in financial reports: means of communication or manipulation? *Accounting and Business Research*, Vol. ۹, pp. ۱۹۹-۱۸۹
- Antweiler W., Frank. (۲۰۰۴). Is All That Talk Just Noise? The Information Content of Internet Stock Message Boards. *Journal of Finance*, Vol. ۵۹, pp. ۱۲۲۹۱-۱۲۹۴.
- Ajina A., Danielle S., Lakhal F. (۲۰۱۱). Corporate Disclosures, Information Asymmetry and Stock-Market Liquidity in France. *The Journal of Applied Business Research*, Vol. ۳۱, pp. ۲۲۳۲۳۸-. Jensen M.C.,
- Eldomiaty, T.I. (۲۰۱۰), The contribution of sales revenue management to firm growth: a test of two competing models, *International Journal of Revenue Management*, ۴ (۲): ۱۳۱-۱۴۴.
- Banimahd, B., Hasas Yeganeh, Y., Yazdanian, N. (۲۰۱۴). Earnings Management and Audit opinion: Evidences of private audit firms. *Journal Management Accounting*, Volume ۷, Number ۲۱; Page(s) (۱۷ To ۳۲).
- Chia-Chun Hsieh., Kai Wai Hui., Yao Zhang. (۲۰۱۶). Analyst Report Readability and Stock Returns. *Journal of Business Finance & Accounting*, Vol. ۴۳, Issue ۱۲-, pp. ۹۸۱۳۰-.
- Bloomfield J. (۲۰۰۸). Discussion of Annual report readability, current earnings, and earnings persistence. *Journal of Accounting and Economics*, Vol. ۴۵, pp. ۲۸۸-۲۲۲-
- Courtis K., (۲۰۰۸). Corporate annual report graphical communication in Hong Kong : Effective or misleading? *The Journal of Business Communication*, Vol ۳۴, pp. ۲۶۹-۲۸۸-.
- De Franco G., Hope K., Vyas G., Zhou Y. (۲۰۱۳). Analyst report readability. Forthcoming .
Contemporary Accounting Research. Institutional Investor. ۲۰۱۰ October.
- Fang, Xiaohua. Yutao Li., Baohua Xin, Wenjun Zhang. (۲۰۱۴). the Effect of Annual Report Readability on Cost of Debt. ۵۰۱۵ Canadian Academic Accounting Association CAAA Annual Conference. December ۱۴, ۲۰۱۴.
- Hope O.-K., Thomas W. (۲۰۱۱). Managerial empire building and firm disclosure .*Journal of Accounting Research*, Vol. ۴۶(۳), pp. ۲۹۶-۲۶۶-.
- Gujarati, D.N.(۲۰۰۹) Basic Econometrics, ۵th edition, New York: Mc Graw-Hill.
- Lehavy R., Li F., Merkley K. (۲۰۱۲). The effect of annual report readability on analyst following and the properties of their earnings forecasts. *The Accounting Review* ,Vol. ۸۶, pp. ۱۰۸۷- ۱۱۱۵
- Loughran T., McDonald B. (۲۰۱۱).When is a liability not a liability? Textual analysis , dictionaries, and ۱۰-Ks. *Journal of Finance*. Vol. ۶۶, pp.۳۵۶۵-.
- LORENS., Li F., Merkley K. (۲۰۱۳) The effect of annual report readability on analyst following and the properties of their earnings forecasts. *The Accounting Review* ,Vol. ۸۶, pp. ۱۰۸۷- ۱۱۱۵.
- MEELER, D.M., Brennan N.M.(۲۰۱۰) Discretionary disclosure strategies in corporate narratives: incremental information or impression management? *Journal of Accounting Literature*, Vol. ۲۶, pp. ۶۶۶-۶۹۶.
- Meckling, W.H., Jensen. (۱۹۷۶) Theory of the firm: Managerial behaviour, agency costs and ownership structure. *Journal of Financial Economics*. Vol. ۳, pp. ۳۰۵-۳۶۰-.

-Merkl-Davies D.M., Brennan N.M. (۲۰۰۷). Discretionary disclosure strategies in corporate narratives: incremental information or impression management? Journal of Accounting Literature, Vol. ۲۶, pp. ۶۶۶-۶۹۶

-Rutherford B.A. (۲۰۰۳). Obfuscation, textual complexity and the role of regulated narrative disclosure in corporate governance. Journal of Management and Governance, Vol, ۷, pp. ۱۸۷-۲۱۰.

-.Scott, W.R. (۲۰۰۷). Financial Accounting Theory. Pearson education, pp. ۲۲۸-۲۳۶-

-You, H., Zhang, X. (۲۰۰۹). Financial reporting complexity and investor underreaction to ۱۰-K information. Review of Accounting Studies, ۱۴, ۵۵۹-۵۸۶.

